

هیجان انگیز

دست از مجازی بودن بردارید!

ادامه از صفحه اول همین شیوه باعث شده در بسیاری موارد که موجی راه افتاده، معلوم شود که فلان خبر از اساس کذب بوده یا فالن عکس مربوط به فلان شخصی نبوده و در تمام این موارد سلبریتی‌ها همچون مردم عامی که توکر کورانه بر خورد می‌کنند، رفتار کرده‌اند. این واکنش‌های غیر کارشناسانه از سوی اشخاص معروف که برای جوانان و نوجوانان الگو هستند، می‌تواند تبعات خطرناکی را به دنبال داشته‌باشد.

بخشی از این تقصیر هم به گردن رسانه‌هاست، وقتی رسانه‌ها برای بیشتر دیده شدن درباره هر موضوعی به جای این‌که با کار شناسان آن حوزه وارد گفت‌وگو شوند، سراغ نظرات غیر موثق سلبریتی‌ها می‌روند، ناخواسته به اتفاقی دامن می‌زنند که در نهایت ممکن است خوشایند نباشد.

جورج مونیهو در بخش دیگر از مقاله‌اش نوشته: «من نه می‌گویم روزنامه‌ها با هنر پیشه‌ها مصاحبه نکنند، این‌که هنر پیشه‌ها حرفی در خور شنیدن ندارند؛ اما دلمشغولی بیش از حد به موضوعات این صنف سبب می‌شود صداهای دیگر گنگ شوند. یکی از نتایجش این است که هیچ‌موضوعی موضوعیت نمی‌یابد، مگر زمانی که از دهان یک هنر پیشه خارج شود. فروپاشی اقلیم، آوارگان، حقوق بشر و آزار گری جنسی؛ به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این مسائل نمی‌توانند بدون این‌که به‌هالبوبودروند، مطرح شوند

این به معنای کم‌ارزش جلوه‌دادن کار هنر پیشه‌گانی نیست که کمک کرده‌اند تا توجهات بی‌شماری به مشکلات جلب شود؛ و بویژه منظورم زنان بر جسته و شجاعی است که دست به افشاجاری درباره هاروی واینستین زدند و جنبش #من_هم_را به راه انداختند. با این حال از یاد نبریم زنان بر جسته و شجاع بسیاری نیز بودند که برای گفتن همان حرف به پا خاستند اما چون هنر پیشه نبودند، صدایشان شنیده نشد. همه گمان می‌کنند جنبش #من_هم یک سال قبل و به دست آن‌هایی راه افتاد که واینستین را متهم کردند، در صورتی که جنبش در سال ۲۰۰۶ آغاز شد؛ همان سال بود که فعالیت اجتماعی به نام تارا نا پرک نام #من_هم را بر آن نهاد. او و میلیون‌ها نفر دیگر تلاش کردند در جایی سخن بگویند، که خواه‌به‌معنای واقعی باستعاری، زیر نور صحنه نبود.

دست کم هنر پیشه‌ها در خدمت منافع عمومی هستند. نتایج پیمایش غیر علمی من نشان می‌دهد دسته بعدی‌ای را که زیاد با آنها مصاحبه می‌شود، می‌توان تحت عنوان «خدمتکاران ثروتمندان» طبقه‌بندی کرد؛ یعنی رستوران‌دارها، طراحان مد، طراحان داخلی و مانند آنها. چنان ارج و قربی بر سام می‌نهند و آنچنان عزت‌تپان‌مان می‌کنند که انگار مشتری آینده‌شان هستیم. مادر جهانی متظاهرانه زندگی می‌کنیم، جایی که به ما القا می‌کنند صرفاً ناظرانی مات و مبوهت نیستیم، بلکه در آن مشارکت داریم.

اثر نورافکن در صفحات فر هنگی روزنامه‌هایی خودی خود بد است، اما زمانی بدتر می‌شود که به صفحات سیاسی هم نفوذ کند. بدین ترتیب موضوعات عمومی، در تمامی طول سال، به‌ویژه در فصل کنفرانس‌های حزبی، همچون نمایش‌های زندگی خصوصی نمایانده می‌شود. این شیوه گزارش نویسی همین حالا هم به ظهور آدم‌هایی منجر شده است که اگر چه فاشنیست نیستند، اما گرایش‌های عوام‌فریبانه دارند. اثر نورافکن اجاره می‌دهد تعداد معدودی که مورد التفات‌اند اولویت‌ها را تعیین کنند و این‌گونه استت که تقریبا تمامی موضوعات اساسی در تاریکی اطراف حلقه نور کم می‌شوند. رسانه‌ها روزانه هزاران صفحه کاغذ و هزاران ساعت برنامه منتشر می‌کنند، اما به‌ندرت چیزی از این حجم کاغذ و زمان به موضوعاتی می‌پردازد که واقعاً اهمیت دارند.

وظیفه تمامی روزنامه‌نگاران این است که نورافکن‌ها را خاموش کنند، پرده‌ها را کنار بزنند و ببینند چه چیزی در گوشه‌های اتاق پنهان شده است. وظیفه تمامی شهروندان این است که چیزی که دارند می‌بینند را خوب درک کنند. جهانی که تصویر می‌شود با جهانی که در واقع وجود دارد، متفاوت است.»

چند روزی است که ویدیویی از پگاه آهنگرانی در فضای مجازی دست به دست می‌شود، او به عنوان یک سلبریتی منتقد اظهار نظرهای غیر کارشناسی سلبریتی‌هاست. صحبت‌هایش واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته است. همکارانش با طعنه پایسخش را داده‌اند؛ اما کاش درباره صحبت‌های پگاه تأمل کنیم. شاید الان زمان آن باشد که سلبریتی‌های ما هم مانند نمونه‌های خارجی‌شان به این نتیجه برسند که به جای کپی کردن هر مطلب و عکسی در صفحات مجازی‌شان، عمیق‌تر در باره موضوعی تحقیق کنند تا بتوانند موانع و مشکلات حوزه مورد نظرشان را برطرف کنند و تأثیر واقعی‌تری بر جامعه و اطرافیان‌شان داشته‌باشند.

بستن کمربند می‌تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.



درخواست احمد رضا درویش در حال بررسی است

مذاکرات وزارت ارشاد برای نمایش «رستاخیز»

بعد از گزارش «شهروند» درباره منتشر شدن نسخه دوبله عربی فیلم رستاخیز در یوتیوب، یکبار دیگر حواشی این فیلم توقیف‌شده در رسانه‌ها مطرح شد و حتی منجر به بیانیه اعتراضی احمد رضا درویش، کارگردان آن شد. حالا سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در واکنش به درخواست کارگردان فیلم «رستاخیز» برای ارایه این فیلم در شبکه نمایش خانگی، از گفت‌وگو برای رفع موانع ارایه «رستاخیز» در شبکه نمایش خانگی خبر داد. «از قبل صحبت‌هایی در این باره مطرح شده بود و درباره انتشار غیرقانونی این فیلم نیز سازمان سینمایی فرایلی جلساتی با تهیه‌کننده فیلم برگزار کرده و به دنبال عوامل این کار هستند.» پیش از این مدیرعامل این بنیاد سینمایی در نامه‌ای به معاون دادستان و سرپرست دادسرای امور بین‌الملل تهران درخواست کرده بود که از نشر و پخش این فیلم جلوگیری شود.

ستاره‌ها حرف‌بزنند یا نزنند؟

◀ درگیری مجازی پگاه آهنگرانی و مهناز افشار یک پرسش قدیمی را دوباره سر زبان انداخته:

مرز ورود سلبریتی‌ها به مسائل اجتماعی تا کجاست؟



نوشین جعفری را امضایی کرد که همه‌مان می‌دانیم چه مخاطراتی دارد.» در پاسخ منیژه حکمت نیز مهناز افشار با اشاره به حضورش به‌عنوان تنها بازیگر زن در کنار منیژه حکمت، در شبی که پگاه آهنگرانی در اوین بوده، نوشت: «شاید هر کدام از شماها برای یک‌بار هم شده‌خودتون رو جای من در این پنج‌سال بگذارید، حق بدید که شک کنم به اخلاق مداری.»

همه‌علیه‌همه

دعوی سلبریتی‌ها بازتاب‌زادی در فضای مجازی یافت و هواداران و مخالفان هر کدام از طرفین این بحث عکس‌العمل‌های تندی نسبت‌به‌طرف مقابل نشان داده‌اند، به‌خصوص در مورد مهناز افشار که به‌رغم این‌که به‌درستی به نقش مسائل فرامتنی در موضع‌گیری‌هایی از این دست اشاره کرده بود، اما از این‌رو که او هم مثل بیشتر بازیگران و کلاچره‌های شناخته‌شده این مرزوبوم عادت کرده در مورد تمام قضایای مطرح در رسانه‌ها و حتی در شایعات عکس‌العمل نشان دهد، توپیتش بر خلاف بازتاب‌زادی که داشت، همدملی چندانی به‌وجود نیاورد. عده‌ای هم البته پسگاه را نواخته بودند و در واکنش به ادعای او مبنی بر این‌که از کسی حمایت نکرده، فعالیت‌های او را در ستاد انتخاباتی کاندیداهای مختلف شاهد مثال آورده و هشدار داده بودند که چنین موضعی در شرایطی

جودو سر آغاز تعلیق‌های سریالی ورزش؟

◀ دبیر فدراسیون جودو به «شهروند» می‌گوید که بعد از مشورت با رئیس کمیته المپیک موضعگیری خواهند کرد



تضاد با تعهد فدراسیون جودی ایران است.»

تعلیق در سال المپیک

در هفته‌های اخیر مقامات ورزش ایران تلاش زیادی کردند تا از طریق نامه‌نگاری بسا کمیته بین‌المللی المپیک جلوی تعلیق جودو را بگیرند، اما در نهایت وزیر کار خودش را کرد. دیروز تعلیق فدراسیون جودوی ایران از تمام فعالیت‌های بین‌المللی رسماً اعلام شد و در سال المپیک این موضوع بدون شک ضربه سنگینی به پیگیره جودوی ایران وارد خواهد کرد. این اتفاق در حالی رخ داد که میراسماعیلی در روزهای اخیر بعد از جدایی ملایی، سعی کرده بود جودوکاران مطرحی همچون جواد محجوب و محمد بریمانلو را برای کسب سهمیه المپیک به تیم ملی بازگرداند. حالا با این وضع ایران فقط تا ۱۱ روز وقت اعتراض به حکم فدراسیون جهانی را دارد و اگر خیلی زود این مشکل رفع نشود، هیچ جودوکاری از ایران نمی‌تواند در المپیک ۲۰۲۰ شرکت کند.

میراسماعیلی: تعلیق ناعادلان بود

آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو که در ۲۰ روز اخیر سکوت کرده بود، دیروز بعد از شنیدن خبر تعلیق باانتقاد از فدراسیون جهانی گفته است: «گفته بودند مدافعیه را سال

یک پرسش

اما گذشته از این کنش و واکنش‌های تند و افراطی و اغلب سطحی؛ برخی هم منطقی‌تر با ماجرا روبه‌رو شدند و به این پرداختند که مرز ورود سلبریتی‌ها به مسائل پیرامون‌شان تا کجاست؟ این پرسشی است که در چند وقت اخیر بسیار شاهد آن بوده‌ایم. پرسشی که در قبال آن شاهد دوتنوع پاسخ هستیم. برخی عقیده دارند که سلبریتی هم مانند هر شخص دیگری آزاد است هر آن‌چه فکر می‌کند درست است، بر زبان آورد و منتشر کند. از نظر این گروه؛ هر نوع بندوبستی جلوی ابراز نظر هر کس، به هر بهانه و توجیهی، چیزی نیست مگر سانسور. عقیده‌ای که در سال‌های اخیر مدافعان کمی هم نداشته‌است... اما گروه دیگری هم هستند که عقیده دارند سلبریتی‌ها به واسطه نفوذ و تأثیرگذاری‌شان بر مخاطبان، مسئولیتی فراتر از اشخاص عادی دارند. به باور این گروه شیوع رسانه‌های اجتماعی میزان حضور رسانه‌ای و نفوذ سلبریتی‌ها را بشدت افزایش داده و این توی چشم‌بودن و دیده‌شدن و مرتب‌واکنش نشان دادن و به‌عبارت بهتر پرگفتن درصد اشتباهات و سوتی‌های سلبریتی‌ها را افزایش داده است. این را در مورد اغلب سلبریتی‌های ایران می‌توان صادق دانست که بی‌توجه به حیطه دانایی و صلاحیت‌شان در حیطه‌های گوناگون بی‌محابا نظر می‌دهند. مدافعان لزوم وجود حدومرز در اظهار نظرهای سلبریتی‌ها به مثال‌های زیادی اشاره می‌کنند. مانند جنجالی‌که انقلاب درونی سحر قربی‌شی ساخت یا هانیه توسلی که با گفته‌هایش درباره گربه‌اش چه بازتاب‌هایی به‌وجود آورد. آن‌وری‌هایی از این آسیب بری نبوده‌اند البته. مثلاً کسانی که که ادعا کردند دلیل زیاد شدن زلزله در ایران پوشش زنان و بدحجابی آنهاست و حتی آن خواننده زیرزمینی که از فلسفه حجاب نوشت. تمام آن بازیگرانی هم که در زلزله کرمانشاه با سایل بهار امسال با صحبت‌های سطحی علیه‌نهادهایی چون هلال احمر چه بی‌اعتمادی عظیمی را به‌وجود آوردند؛ از این طیف بودند. این قضیه البته نه فقط در مورد مواضع اجتماعی-سیاسی است که در گفته‌ها و نوشته‌های شخصی سلبریتی‌ها صادق است. مثل اعتباری که مثلا علی کریمی در انتشار نقل قول‌هایی که همه‌شان را به نام کورش جامی‌زند، به حراج گذاشت. یا خیلی‌های دیگر...

یک پاسخ

با این‌که شکی در این مورد وجود ندارد که میل و رویای آزادی بی‌حدومرز است، اما حقیقتش سلبریتی‌های ما هم چهره‌های چندان پاسودای نیستند. همین اطلاعات اندک هم باعث می‌شود اصرارشان برای اظهار نظر در هر موضوعی سوتی‌ها و گف‌های بزرگی به‌وجود آورد. این واقعیت این پرسش را پیش می‌آورد که چه‌الزامی وجود دارد سلبریتی‌ها در مورد هر چیزی، به‌خصوص موضوعاتی که در آن سررشته ندارند، سخن گویند؟ مرور اظهار نظرها، توییت‌ها و پست‌های سلبریتی‌های جهانی نیز جز این رانشناس نمی‌دهد. در فضای رسانه‌ای آزاد غرب کمتر می‌توان چهره‌ای یافت که در مورد موضوعی جز زمینه‌فعالیت و دانایی خود سخن گفته باشد. البته بعضی از کارشناسان رسانه هم دلیل اصلی را در همان آزادی رسانه‌ای می‌دانند- که باعث می‌شود نیازی به مواضع انتقادی-اعتراضی سلبریتی‌ها در مورد هر موضوع حساسی نباشد!

تربوین



سوشا مکانی: «من آخرین بار که به تیم‌ملی دعوت شدم، بازی با سوریه در مالزی بود که کلین شسیت

کردم و بعد از آن دیگر دعوت نشدم. این بسیار عجیب است که بازی کنی و خوب هم بازی کنی، اما تا کپهان کنار گذاشته شوی. اسمی از ارگانی یا فردی نمی‌برم، اما مطمئناً این‌گونه بود که به خاطر مسائل غیرفنی مرا از تیم‌ملی کنار گذاشتند. من در مالزی با آن شرایط جوی بازی کردم، خوب هم بازی کردم، اما بعد از آن دیگر دعوت نشدم. مگر می‌شود؟ مشخص است که مسأله دیگری پشتش است. شاید دوستان فکر کردند با نبود من در تیم‌ملی مشکلات عدیده مملکت برطرف می‌شود!»



محمد بنا: «به بچه‌هایم اعتقاد دارم و هیچ ترس و نگرانی بابت مسابقات جهانی ندارم، اما چرا هیچ‌کس نجاتی و ساروی را نمی‌بیند؟ کشتی‌های دلاوران‌های را که گرفتند نمی‌بینند؟ بچه‌های ما خودشان مدال گرفتند، کسی مدال به آنها هدیه نداد. در حالی که خیلی از تیم‌های نه‌چندان مطرح جهان مانند هند که هیچ جایگاهی در کشتی فرنگی جهان ندارد، از مدت‌ها قبل در کمپ اتحادیه جهانی کشتی به صورت رایگان تمرین می‌کردند، اما تیم ما به دلیل کم‌بودن زمان تمرین و عدم‌آشنایی با سالن و جو مسابقات به‌خصوص هشت نفر از بچه‌هایمان که برای نخستین‌بار حضور در مسابقات جهانی را تجربه می‌کردند، سخت بود و گران تمام شد.»